

باسمه تعالی

## "دل واپسی ها برای زیبای بی وفا"

از پر فور محمد اسماعیل اکبری  
استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

این روزها ، لغت جدیدی در ادبیات سیاسی کشورمان پیدا شده که از ریشه دل واپس نشئت می گیرد. مرحوم استاد علی اکبر دهخدا دل واپس را به نگران ، مضطرب ، آشفته ، ناراحت ، ملول و چشم به راه معنا می کند و دل واپسی را حالت و کیفیت دل واپس می نامد.

اضطراب و نگرانی در حوزه سلامت معنی دیگری می دهد، مضطرب و نگران کسی است که معمولاً از رفتار طبیعی خارج می شود ، خواب راحت ندارد، نگرانی های واهی دارد؛ اگر فرزندش به مدرسه می رود دائماً تصور می کند که چه بلایی ممکن است سر او بیاید و در حالیکه فرزند در کلاس درس برای ارتقای علمی تلاش می کند، مادر یا پدر دلواپس با ذهن آشفته ده ها بار او را روانه بیمارستان و گورستان می کنند و این دلواپسی منجر به رفتارهای غیر معقول می شود؛ مثلاً مادر و پدر به جای اقدامات حمایتی برای آرامش فرزند شان در کلاس درس، آنچنان هیجان و هیاهو ایجاد می کنند که ممکن است انحراف از مسیر، برای دلبندها ایجاد نمایند.

بنظر می آید در بهترین تصور، دلواپسان امروز هم، چنین وضعیتی پیدا کرده اند، در حالیکه دولت تدبیر و امید می رود تا سامانی به ساختارهای اجتماعی بدهد، نگران شده اند و دست به اقدامات آشکار و پنهانی می زنند که ممکن است اصل هدف فراموش و یا گم شود و این فرزند نوپا درگیر رفتارهای آنچنانی شود تا اهداف آنچنانی.

در طول ۲۰ سال گذشته و در تمامی دولت های پیشین بودجه حوزه سلامت مردم با در نظر گرفتن تورم های واقعی سالانه رو به افول رفت و در عوض هزینه های مردم از جیب رو به صعود گذاشت؛ به طوریکه میزان این پرداخت از ۲۵ درصد به بالای ۷۵ درصد رسید و این در حالی بود که در قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و پیش نویس های راهبردی مقام معظم رهبری، دولت مکلف شده بود که هزینه های سلامت را کاهش دهد . ایشان صراحتاً فرمودند که دولت کاری کند که بیمار جز درد بیماری غم دیگری نداشته باشد.

امروز دولت با تدبیر و امید آفرین به وعده خود عمل کرده است و حتی قبل از تأمین منابع رسمی و مندرج در قانون، پیش پرداخت های حوزه سلامت را تأمین کرده است؛ به طوری که سازمان های بیمه گر کم کم از خجالت آنها که برایشان کار

کرده اند یا به آنها جنس فروخته اند در می آیند و وزارت بهداشت هم جرأت می کند که شاخص های علمی تولی گری را اعلام و پیگیری کند و بازار مکاره ای را که در طول سال های قبل سلامت مردم را به تجارت گرفته بودند مهار کند؛ این بار با قدرت و تنها با محوریت مردم برنامه ریزی می کند و این ها مؤلفه هایی است که تقریباً به فراموشی رفته بود.

بازار سلامت لحاف ملانصرالدین است که نیاز به مراقبت دارد و گرنه هرکسی آن را به سمت خود می کشد و توجه ندارد که اصلاً این لحاف پوشش مردم را میدهد یا نه.

موضوع دیگری که معمولاً این چند روزه بعنوان عامل دلواپسی گزارش می شود ، مذاکرات هسته ای کشورمان با جهان غرب است. دنیای غرب خوی استثمارگری و استثمارگری دارد و این را هرگز نباید فراموش کنیم.

هیچ کس برای یک جامعه مجزا از جامعه جهانی فرش قرمز پهن نمی کند، اما باید توجه کرد که برای حضور در جامعه جهانی علاوه بر داشتن دیدگاهی عمیق از عملکرد و ذهنیت کشورهای غربی باید از تکنیک و فهم قوانین بین المللی هم خبر داشت و بخوبی از آنها بهره برد.

در دولت های قبلی با شناخت درست از قصد این کشورها تنها به نفی مطلب پرداخته می شد و عملاً حق مردم پایمال می شد چراکه تنها با بیان کلامی، نمی توان به حق مردم رسید و این ظلم است؛ بلکه باید زحمت کشید از قوانین و مقررات بین المللی و ... استفاده کرد و غول استثمار را به بند کشید؛ همان شاخص هایی که دنیای غرب با استفاده از آنها حتی با مصداق روشن، "کلمه الحق یراد بها الباطل" عمل می کند .

بنده به عنوان یک شهروند مسلمان ایرانی حاضر نیستم صورت مسئله را پاک کنم و بگویم طرف مقابل قلدر است و نباید با او مذاکره کرد ، بلکه انتظار دارم نمایندگان ملت و فرزندان انقلاب با توان مندی در قالب حفظ اهداف ملت ایران، این غول با شاخ و دم را به بند بکشند و حق ملت را از آنها بگیرند . این اتفاق در حال وقوع است و الحمدا... تیم مذاکره کننده هسته ای ایران توانسته در حدی از توفیق مذاکره کند که طرف های مقابل را روزانه وادار کند با پایتخت های خود مشورت های طولانی کنند، بلکه بتوانند با این تیم قدرت مند ایرانی به مذاکره بنشینند .

در تمامی مذاکرات ایرانی ها بودند که بطور فعال برنامه داشتند و طرف مقابل را در پشت میز میخکوب می کردند . ما تجربیات مشابهی را در حوزه سلامت با کشورهای غربی داشته ایم . وقتی مقرر بود برای اولین بار کنوانسیون ژنو برای نحوه مراقبت از تولید و مصرف مواد دخانی شکل بگیرد ، تیم ایران همراه با بعضی کشورهای دیگر در ساعات و روزهای

طولانی باتیم های ۲۰۰ نفره کشورهای غربی که تلاش می کردند این قانون جهانی را به نفع تجارت خود تغییر دهند مذاکره فنی انجام دادند و بحمد... موفق شدند که افسارهای مهار تجارت آنها را به نفع سلامت مردم به دست بگیرند . همچنین است در مورد قانون بین المللی سلامت جهانی که آن هم با حساسیت های کارشناسی در حد زیادی دست کشورهای غربی از بازار مکاره سلامت را کوتاه کرد ، اما در حوزه انرژی اتمی چنین اتفاقی نیفتاده بود و ضعف کارشناسان مذاکره کننده ، موجب تضحیح حق ملت ایران می شد .

بدیهی است هدف اصلی ما که بهره گیری از انرژی اتمی است نه ساخت بمب اتمی، هرگز نباید مورد معامله قرار گیرد . اما تنها گفتن نه و نگفتن آری نمی تواند این هدف را حاصل کند . باید قدرت مند بود و این قدرت را با اندیشه، تلاش و زبان مذاکرات کنندگان به گوش و دل و جان جهانیان منتقل کرد و تنها نباید آن را با زبان و ژست های داخلی در بازار سیاسی داخل مصرف کرد. ملت فرایند مذاکرات را رصد می کند و قدرت مندی تیم کارشناسی ایران را می بیند ، نتیجه هم هر آنچه باشد فرق نمی کند، چه ممکن است طرف مقابل در آخر کار ، همان حرف اول را بزند و بخواهد ایران را از انرژی هسته ای محروم کند، لکن این بار او بازنده است و عقل جمعی جهان بدلیل فرایند درست مذاکرات، خاطی و عاصی را می شناسد و ایران می تواند هر آنچه هدفمند طراحی کرده است را دنبال کند .

دل واپسی برای شناخت جزئیات چنین فرایندی عاقلانه است اما حتماً ابراز چنین دل واپسی هایی در خیابان و با پلاکارد و بنر معنی دلسوزی ملی را نم ی دهد بلکه بیشتر بنظر می آید که فضا سازی سیاسی است که تسلیم پذیری آنها را به عشوه های زیبای بی وفا - کرسی های حکومتی - نشان می دهد . توصیه جناب صائب وجه تسمیه خوبی است برای این عزیزان که اگر دلسوزی مردم را دارند به عشوه این زیبای بی وفا دل نبندند ، آنوقت دل واپسی آنها هم تمام میشود ان شا... و این بار با قدرت و دلسوزی از منافع جمهوری اسلامی ایران و ایرانیان دفاع خواهند کرد؛ جناب صائب می فرماید :

که دل به عشوه زیبای بی وفا ندهند

چه فارغ اند ز دل واپسی عزیزانی